

## سیمرغ

نشریه بنیاد شاهنامه فردوسی، وزارت فرهنگ و هنر،  
شماره اول، اسفند ۱۳۵۱ (روز فردوسی) نهران.

برای کسانی که شاهنامه را بآدقتی بیشتر از حد معمول بخوانند و از سوی دیگر در راه فهم دشواریهای آن، خود را گول نزنند و با فهم کلی مطلب، پوشیدگیهای جزئی تعبیّرات این کتاب عظیم را دریابند، آشکار است که در بیشتر صفحات شاهنامه - بویژه بخش پهلوانی آن، که قسمت اصلی و مهم شاهنامه را تشکیل میدهد - در طول زمان اغلاط بسیار راه یافته است و این نکته را بیشتر کسانی در می یابند که نوعی کار تدریس شاهنامه را در یکی از دانشکده ها یا مؤسسات آموزش عالی تعهد میکنند.

با همه کوششهای بسیاری که در راه تصحیح شاهنامه در صد سال اخیر در ایران و خارج از ایران انجام شده، هنوز نسخه ای که بتوان براحتی آن را مورد استفاده قرار داد و تمام اجزاء آن را بی هیچ توجیه غیر منطقی و خلاف بلاغتی فهمید، وجود ندارد. آخرین شاهنامه معتبری که در عالم به طبع رسیده، شاهنامه فردوسی چاپ مسکو است که از ۱۳۱۳ ه. ش. تا یکی دو سال قبل، کار چاپ و انتشار آن بطول انجامید و گروهی از محققان ایران شناس اتحاد جماهیر شوروی در مدتی بیش از سی و پنج سال سرگرم تصحیح و مقابله آن بودند. این چاپ انتقادی شاهنامه با تمام مزایایی که بر همه چاپهای قبل از خود دارد از کاستیهای بسیار و لغزشهای فراوان برکنار نمانده است، چه در شیوه کار و چه در قرائت و ضبط اختلاف نسخ.

از دوسه سال قبل، وزارت فرهنگ و هنر، مؤسسه ای بنام « بنیاد شاهنامه فردوسی » بوجود آورده است که جمعی از جوانان فاضل و دانشجویان رشته ادبیات

در آن سرگرم تحقیق در باب شاهنامه هستند وزیر نظر استاد مجتبی مینوی اداره میشود. فایده چنین مؤسسه‌ای در مرحله نخست این است که با صلاحیتی که در استاد مجتبی مینوی سراغ داریم و با وسواس و دقتی که او در طول نیم قرن تحقیقات ادبی از خویش نشان داده، بی گمان چاپ انتقادی و علمی معتبری از شاهنامه بوجود خواهد آمد که اساس هر نوع تحقیق دیگری در باب شاهنامه باشد. از سوی دیگر عده‌ای از جوانان علاقمند و مستعد، زیر نظر استاد مینوی و تحت تعلیم و تربیت ایشان، شیوه درست و علمی تحقیق در متون ادبی را می‌آموزند، کاری که هنوز اغلب استادان خیلی خیلی رسمی و معروف به فضل، آن را نمی‌دانند و نیاموخته‌اند.

بی گمان ایجاد چنین مؤسسه‌ای از وظایف اصلی و واجب‌ترین اقدامات وزارت فرهنگ و هنر است. کاش دامنه چنین مؤسسه‌ای وسیع‌تر از این گرفته‌میشد و بخشهای دیگری از قبیل «نظامی‌شناسی»، «حافظ‌شناسی»، «مولوی‌شناسی» و... را نیز شامل‌میشد. بهر حال این نخستین اقدام جدی وزارت فرهنگ و هنر است در راه احیای راستین میراث فرهنگی و قومی ما.

سیمرغ، نشریه بنیاد شاهنامه فردوسی است که نخستین شماره آن در اسفند

۱۳۵۱ روز فردوسی (روز ختم شاهنامه) که فرموده «به ماه سپندارمذ روز ارد»

یعنی روز بیست و پنجم اسفند، انتشار یافته است.

در این شماره، چند مقاله در باب ادب فارسی و فرهنگ و تاریخ ایران آمده

است که هر کدام در نوع خود از اهمیت برخوردار است. مقاله نخستین تحت عنوان «اهتمام در تهیه متن صحیح شاهنامه و چاپ آن» گویا به قلم استاد مجتبی مینوی است، گزارشی میباشد از کوششهایی که در دو قرن اخیر در باب چاپ و نشر شاهنامه در داخل و خارج ایران شده است و برای جویندگان این گونه اطلاعات، بسیار مغتنم است.

مقاله دوم «دهقانان»، نوشته استاد مینوی است که بیشتر با اتکاء به منابع

تاریخی و جغرافیائی دوران اسلامی و بعضی تحقیقات خاورشناسان نوشته شده و از

چند و چون طبقه دهقان و حوزه مفهومی این کلمه در ایران قبل از اسلام و بعد از اسلام سخن میگوید. با اینکه نخستین بحث در این باب نیست، اما یکی از درست‌ترین و دقیق‌ترین تحقیقات در این حوزه بشمار میرود. «نقدی بر ترجمه تفسیر طبری» نوشته آقای عالی رواقی است که در مؤسسه شاهنامه با استاد مینوی همکاری نزدیک دارد. این مقاله در نوع خود کم نظیر است و نویسنده جوان آن، امروزه در تحقیقات لغوی نکته‌های مربوط به «متن‌شناسی»، از پر حوصله‌ترین کسانی است که در این وادی گام میزنند. در این مقاله چندین نکته لغوی برای نخستین بار مطرح شده است. البته باید توجه داشت که استاد حبیب یغمائی وقتی به کار تصحیح «ترجمه تفسیر طبری» پرداخت، حل مشکلات لغوی کتاب دشوارتر از امروز بود، زیرا بسیاری از متون فارسی پس از چاپ «ترجمه تفسیر طبری» انتشار یافت و اگر امروز استاد یغمائی میخواست در باب این لغات بحث کند، امکانات بسیاری در اختیارش بود. بهر حال این چند نکته انتقادی - با همه اهمیتی که دارد - از ارج کار عظیم و توانفرسای استاد حبیب یغمائی نمی‌کاهد. «اسطوره کهن گرشاسب در منظومه حماسی گرشاسبنامه» مقاله‌ای است از آقای مهدی قریب که از همکاران جوان مؤسسه شاهنامه است و در نوع خود تحقیقی است «علمی - ذوقی». اینگونه تحقیقات، اگر بادقت و حوصله انجام شود، بهترین نوع تحقیقات ادبی میتواند باشد. نکاتی که آقای قریب بدان پرداخته است، نشان دهنده میزان دقت و هوشیاری اوست. «گنگ دژ: روایتی است الحاقی در داستان سیاوش»، نمونه دیگری از تحقیقات «ذوقی - علمی» این شماره سیموغ است که در نوع خود ده ساله بسیار مهمی را در نقد داستان سیاوش برای نخستین بار مطرح میکند. نویسنده مقاله آقای نعمت آزرم شاعر نام‌آور معاصر است که بیشتر از طریق شعر مورد توجه اهل ادب و دوستان آن «شعر ملتزم» امروز است. او نیز یکی از محققان بنیاد شاهنامه فردوسی است و خود در باب فردوسی دارای نظرها و آراء تازه‌ای است که بجای خود از تازگی و ابداع برخوردار است. نکته‌ای که در باب مقاله «گنگ دژ» قابل یادآوری

است این است که آنچه نویسنده دانشمند، از راه ذوق و شناخت اسلوب بدان رسیده است، توسط یکی از قدیمی ترین نسخه های شاهنامه (که اخیراً در هند توسط استاد مجتبی مینوی شناخته شده و عکس برداشته اند) تأیید میشود. بدینگونه که تمامی ابیات پنجاه و هشتگانه داستان «گنگ دژ»، در این نسخه نیامده و در حاشیه بخط جدیدی افزوده شده است و نشان میدهد که در «مادر نسخه» آن وجود نداشته است.

«باج و خراج و جزیه در پنج متن کهن» مقاله ای است از آقای حسین خدیو جم که از محققان و مترجمان برجسته متون فارسی و عربی است. وی در این مقاله کوشیده است مفهوم باج و خراج و جزیه را در تورات، انجیل، قرآن، مفاتیح العلوم خوارزمی و شاهنامه فردوسی بررسی کند. «نگرشی در فرهنگ های شاهنامه»، مقاله ای است از آقای علی رواقی که در آن به نقد و معرفی دو فرهنگ ویژه شاهنامه (یعنی فرهنگ مرحوم دکتر شفق و فرهنگ شادروان عبدالحسین نوشین) پرداخته و در آن به ضعف های بی شمار و انبوه فرهنگ دکتر شفق و به چند نکته در باب اهمیت کتاب **واژه نامک** (یعنی فرهنگ شاهنامه نوشین) اشاره شده است. بگمان **واژه نامک** نوشین مهمترین اثری است که تا کنون در باب واژه های شاهنامه فراهم آمده است و مؤلف آن، خود یکی از شاهنامه شناسان طراز اول امروز بوده است. در آخرین صفحات این شماره، داستانی از تاریخ بیهقی نقل شده است که نمونه ای است از نثر فصیح قدمای.

اگر با همین روش، و در همین سطح، **سیمرغ** ادامه یابد، بی گمان یکی از بهترین نشریات ادبی و تحقیقی زبان پارسی، زندگی فعالی را آغاز کرده است. امیدواریم چنین باشد و امیدواریم استاد مجتبی مینوی و گروه همکاران فاضل و جوانشان در راه دشواری که در پیش دارند موفق باشند.